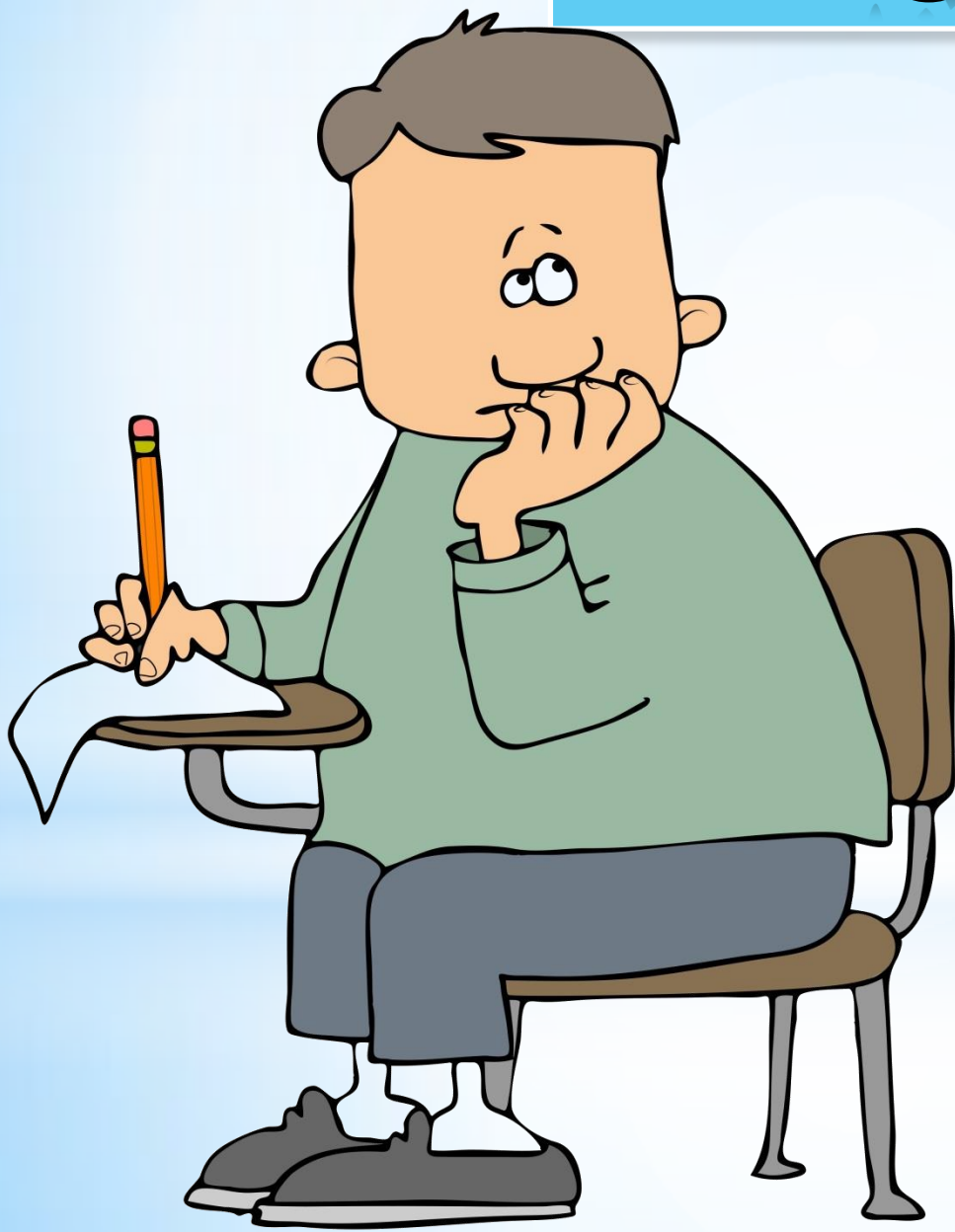


زندگی را رنگارنگ بساز *

داستان های آموزنده



به خودت اعتماد کن!*



مردی که در ترکیه زندگی می‌کرد، درباره‌ی استاد بزرگی شنید که در ایران می‌زیست. بی‌درنگ همه‌ی دارایی‌اش را فروخت، با خانواده‌اش وداع کرد و در جست‌و‌جوی فرزاندگی به راه افتاد. پس از سال‌ها سرگردانی، کلبه‌ای را یافت که استاد بزرگ در آن می‌زیست. با ترس و احترام، در زد. استاد بزرگ ظاهر شد.



مرد گفت: من اهل ترکیه هستم، تمام این راه را آمده‌ام تا از شما تنها یک سؤال بپرسم.
پیرمرد تعجب کرد اما گفت: بسیار خوب می‌توانی سؤال را از من بپرسی.

می‌خواهم پرسش خود را با وضوح تمام مطرح کنم. آیا ممکن است آن را به زبان ترکی بپرسم؟
مرد خردمند گفت: بله و همین حالا پرسش تو را پاسخ دادم. اگر چیز دیگری می‌خواهی بدانی،
از قلبت بپرس. به تو پاسخ می‌دهد.

و در رابست.

فراموش نکنید:

**همیشه خودت دوست بهتری هستی و حرف خودت را درک
میکنی!**

**کافی است به صدای قلبت گوش دهی.....
و بینی باید به کجا بروی**

